

# جای خالی مطالعات استنادی



## اشاره:

آشنایی بنده با دانشگاه مذاهب اسلامی و اهداف و برنامه‌های آن در سال ۷۷ و از طریق دفترچه انتخاب رشته ایجاد گردید و از آنجا که بنده در رشته ریاضی فیزیک مشغول تحصیل بودم، اول گرایشهای رشته ریاضی را انتخاب کردم و فکر می‌کنم در اولویت بیستم و سی ام این رشته را انتخاب کردم؛ زیرا از دوران راهنمایی به مباحث دینی و مذهبی علاقه داشتم و برنامه‌ها و اهدافی که دانشگاه مذاهب اسلامی در آن دفترچه به صورت مختصر توضیح داده بود، همان برنامه‌ها و اهدافی بود که مدنظر بنده بود بنابراین، به این دانشگاه و اهداف آن علاقمند گردیدم و این دانشگاه را برای ادامه تحصیل انتخاب نمودم.

فارغ التحصیلان دانشگاه مذاهب اسلامی پس از فراغت تحصیل، به دلیل نوع آموزه‌هایی که در دانشگاه مذاهب اسلامی با آن آشنا شده‌اند، در هر محیطی که قرار بگیرند، به نوعی متأثر از این آموزه‌ها خواهند بود. «گفتگو با فارغ التحصیلان» می‌کوشد تا کارکرد فرهنگ تقریب را در تغییر دیدگاههای دانش‌آموختگان دانشگاه و آشنایی آنان با فضای صمیمیت و مهر را مورد بازبینی قرار دهد، از وضعیت فعلی آنان مطلع شود و یاد آور خاطرات شیرین دوران تحصیلشان باشد.

جناب آقای شیخ احمدی، لطفاً چگونگی آشنایی خود را با دانشگاه مذاهب اسلامی و نحوه انتخاب رشته در این دانشگاه را توضیح دهید؟

به نظر می‌رسد دوره‌ای که شما در دانشگاه مذاهب اسلامی مشغول به تحصیل بودید، از دوره‌های درخشان و پرثمر دانشگاه بوده است. به نظر شما چه ویژگی‌هایی سبب ساز این درخشش بود؟

در ابتدا از آشنایی با دوستان عزیزی که در نشریه فروغ وحدت فعالیت می‌کنند، خوشحالم؛ چرا که بنده از کسانی بودم که با جناب آقای اعتمادی نیا از ابتدا با فروغ وحدت همکاری داشتم و می‌توانم ادعا نمایم که از بنیانگذاران فروغ وحدت هستیم.

حقیقت امر همین است؛ یعنی؛ از هر کس که در دانشگاه مذاهب پیشینه‌ای دارد مثل: اساتید،





# در حوزه تاریخ

گفتگو با استاد محمد شیخ احمدی  
فارغ التحصیل رشته تاریخ اسلام / ورودی ۷۷

تعلیم‌مندی دانشیان / دانشجوی رشته ادیان و مذاهب اسلامی

که دانشگاه مذاهب در آن زمان خیلی کوچک بود. من فکر می‌کنم که همه دانشجویان ورودی ۷۶ و ۷۷ روی هم رفته از هفتاد یا هشتاد نفر بیشتر نبودند و دانشجویان با یکدیگر جمع دوستانه ای داشتند و من وقتی از شهرستان به تهران می‌آمدم، احساس غربت نمی‌کردم با وجود اینکه از خانواده دور شده بودم، همه با هم صمیمی و دوست بودند و با این وجود، رقابت‌های مثبت بین دانشجویان وجود داشت و این رقابت، هم در فعالیتهای درسی و هم در جنبه‌های دیگر. من به یاد دارم، همان سال بدون اینکه دانشگاه دخالت کند، دانشجویان دارالحدیث و دارالقرآن را تأسیس کردند. ما نیز با زمینه قبلی که جناب آقای اعتمادی نیا داشت، فروغ وحدت را پایه ریزی کردیم، یادم هست که یک روز بعد از ظهر من و آقای اعتمادی نیا و آقای عثمان یوسفی در پشت نمازخانه فعلی، اولین شماره فروغ وحدت را که محوطه کوچکی بود، تکثیر کردیم. آنجا یک دستگاه تکثیر و نازل ترین نوع کاغذ که کمی از کاغذ گاهی بهتر بود، وجود داشت. این مجله را با هم به خوابگاه خودمان بردیم و در آن زمان هم

رؤسا و معاونین محترم و دانشجویانی که آشنایی دارند، سؤال شود، همه آنها تقریباً اجماع دارند که ورودی ۷۷ یکی از موفق ترین دوره‌ها بوده است. از آنجا که خودم ورودی این دوره می‌باشم، چندین عامل را باعث این موفقیت می‌دانم: ۱. اینکه دانشجویان این دوره، کسانی بودند که از نظر رتبه علمی در دوران دبیرستان رتبه‌های خوبی داشتند؛ یعنی، کسانی نبودند که بتوان گفت از بقیه رشته‌ها ناامید شده‌اند و از ترس سربازی این دانشگاه را انتخاب کرده بودند. بسیاری از آنان از رشته‌های ریاضی و تجربی و با معدلهای خیلی خوب وارد دانشگاه شدند و در دوران دبیرستان هم موفقیت‌هایی داشتند، به طور حتم کسی که این زمینه علمی را دوره دبیرستان و قبل از دانشگاه داشته باشد، در دانشگاه هم می‌تواند این روند پیشرفت علمی خود را تقویت کند. بر این اساس، یکی از دلایل اینکه دانشجویان ورودی ۷۷ ویژگی بارزی به ویژه از نظر علمی داشتند و در آزمون کارشناسی ارشد پذیرفته شدند، این پایه علمی بود. ۲. به نظر من عامل دیگر در موفقیت دانشجویان ورودی ۷۷ این بود



دانشگاه مذاهب اسلامی بوده است و همان طور که گفتم، خاطره‌های زیادی از این دانشگاه دارم. جای جای دانشگاه مذاهب (منهای ساختمانهایی که تازه تأسیس شده است) مثلاً خوابگاه روانمهر، ساختمان مرکزی و ساختمان آموزش برای من پر از خاطره است، چه با دوستان عزیز که هم دوره‌ای بودیم که الان دوسه نفر از آنها فوت کرده‌اند؛ چه با عزیزانی که الان در قید حیاتند و با آنها رابطه دارم؛ چه با اساتید محترم، خاطره‌هایی زیادی داریم. به همین دلیل، ورود به دانشگاه مذاهب، برایم، خوشحال کننده است. همچنین الان که این توفیق را دارم که در این دانشگاه تدریس می‌کنم، مایه خوشحالی من است و افتخار من، این است که در جایی که تحصیل دانشگاهی خود را شروع کردم، در حال تدریس هستم.

**جنابعالی نقش مطالعات تاریخی را در گسترش فرهنگ وحدت و انسجام امت اسلام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**  
به طور کلی، مطالعه تاریخ و پیشینه تاریخی هر

من با آقای اعتمادی نیا هم اتاق بودیم و مجله را دسته بندی و منسجم کردیم و به عنوان اولین شماره فروغ وحدت منتشر کردیم. این همکاری و صمیمیتی که بین دانشجویان وجود داشت، به نظر من یکی دیگر از عوامل موفقیت ورودیه‌های ۷۷ بود.

### اکنون چه می‌کنید؟

به عنوان مدرس، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج هستم، یعنی در عین حال که من درس می‌خوانم و مشغول گرفتن دکترای تاریخ در دانشگاه تربیت مدرس هستم، در دانشگاه پیام نور کردستان هم تدریس می‌کنم و در دانشگاه مذاهب اسلامی هم دو ترم پیش، دو واحد داشتم و الان هم دو واحد تدریس می‌کنم.

**از اینکه امروز در جایگاه تلمذ خود در دانشگاه مذاهب اسلامی تدریس می‌کنید، چه احساسی دارید؟**

خیلی خوشحال هستم از صمیم قلب می‌گویم: وقتی که به دانشگاه مذاهب اسلامی می‌آیم بسیار شاد می‌شوم؛ زیرا پایه دانشگاهی بنده،

وقتی که به دانشگاه مذاهب اسلامی می‌آیم بسیار شاد می‌شوم؛ زیرا پایه دانشگاهی بنده، دانشگاه مذاهب اسلامی بوده است و همان طور که گفتم، خاطره‌های زیادی از این دانشگاه دارم. جای جای دانشگاه مذاهب (منهای ساختمانهایی که تازه تأسیس شده است) مثلاً خوابگاه روانمهر، ساختمان مرکزی و ساختمان آموزش برای من پر از خاطره است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مرکز جامع علوم انسانی



کسانی که امروز  
خود را متعلق و  
مقید به پیروی  
از یک فرد در  
تاریخ صدر اسلام  
می‌دانند و به  
پیرو بودن آنها  
افتخار می‌کنند،  
با بررسی راه و  
روش آنان در  
خواهند یافت که  
آنان با یکدیگر چه  
ارتباطی داشتند،  
علاوه بر آن، پی  
خواهیم برد که  
کسانی که ما،  
خود را پیرو آنها  
می‌دانیم و باعث  
شده است که خود  
را از گروه‌های  
دیگر جدا  
بدانیم، خود آنها  
رابطه‌های صمیمی  
با هم داشتند



طور قطع می‌توانیم نمونه‌هایی را ببینیم که شعار امروز دانشگاه مذاهب اسلامی در آنجا نمود پیدا می‌کند، نمونه‌هایی در تاریخ برای این وحدت و تقریب وجود دارد.

کسانی که امروز خود را متعلق و مقید به پیروی از یک فرد در تاریخ صدر اسلام می‌دانند و به پیرو بودن آنها افتخار می‌کنند، با بررسی راه و روش آنان در خواهند یافت که آنان با یکدیگر چه ارتباطی داشتند، علاوه بر آن، پی خواهیم برد که کسانی که ما، خود را پیرو آنها می‌دانیم و باعث شده است که خود را از گروه‌های دیگر جدا بدانیم، خود آنها رابطه‌های صمیمی با هم داشتند. بررسی تاریخ بر این اساس و بدون تعصبات مذهبی به ما در شناخت فرهنگ تقریب و پیدا کردن مسیر درست برای برقراری ارتباط و وحدت بین مسلمانان کمک خواهد کرد.

فرقه، هر نحله، به شناخت ما از آن ملت کمک می‌کند. در این دانشگاه نیز که با شعار تقریب بین مسلمانان تأسیس شده است و با همین شعار حرکت خود را به جلو ادامه می‌دهد، شناخت این پیشینه تاریخی و گذشته، بسیار لازم است. بنابراین، بدون شناخت تاریخ فرقه‌ها و گروه‌های مختلف نمی‌توانیم وضعیت کنونی مسلمانان را درک کنیم، به طور قطع با مطالعه انتقادی تاریخ و بررسی آن بدون غرض‌ورزی فرقه‌ای و نحله‌ای و بدون دخیل نمودن تعصباتی که بعضی اوقات تعصبات زائیدی است (یعنی با نگاه صرفاً علمی) وبه ویژه بررسی تاریخ اسلام در جاهایی که ممکن است باعث اختلاف نظرات زیادی گردد و تفرقه‌های زیادی را منجر شود، با نگاه کاملاً علمی و بدون توجه به عصبیتها و تعصبات مذهبی، قومی و ملی، خواهیم توانست برداشت و نتایج عالمانه‌ای را از تاریخ بگیریم و با این نگاه علمی، دقیق تر به تاریخ گذشته خود پی ببریم و در خلال این تاریخ علمی گذشته خود، به

به نظر شما چه حوزه‌های مطالعاتی در تاریخ اسلام هنوز نیازمند بررسی و





انسانی که در جایگاه مورخ تاریخ قرار می‌گیرد، باید با این دید که هیچ باوری را قبول ندارد و به دنبال حقیقت است، نه اینکه ابتدا یک اصل مسلم را انتخاب کند و سپس بخواهد آن را اثبات کند؛ چرا این اصل از بحث علمی به دور است

### پژوهش جدی است و به طور شایسته هنوز به آنها پرداخته نشده است؟

ما در مطالعات تاریخی کمتر به مطالعه انتقادی می‌پردازیم، مطالعه‌ای که برای فهم علمی تاریخ مؤثر است، مطلبی را که در تاریخ صدر اسلام باعث اختلافاتی شده، با مطالعه انتقادی نگاه کنیم، در ابتدا که درصدد تحقیق این مطالب بر می‌آئیم، می‌بایست با این دید که به هیچ فکری گرایش نداریم و هیچ طرز تفکری را قبول نداریم، به تحقیق بپردازیم و با ذهنی کاملاً باز، روشهای علمی را در پیش بگیریم و اگر روش تحقیق علمی را که به اجماع جمیع مورخان امروزی رسیده در پیش بگیریم، به طور قطع خواهیم توانست به سازهایی که محجور واقع شده است، بپردازیم؛ یعنی، انسانی که در جایگاه مورخ تاریخ قرار می‌گیرد، باید با این دید که هیچ باوری را قبول ندارد و به دنبال حقیقت است، نه اینکه ابتدا یک اصل مسلم را انتخاب کند و سپس بخواهد آن را اثبات کند؛ چرا که این اصل از بحث علمی به دور است؛ یعنی، درصدد حقایقی باشیم که جامعه اسلامی درصدد تحقق آن هستند و این جامعه، برای رسیدن به اهداف وحدت و تقرب، می‌توانند آنها را الگوی خود قرار

دهند. با این روش می‌توانیم به آن سازهایی محجور برسیم و به این وسیله نشان دهیم که در تاریخ دوستی‌هایی هم هست و گاهی نشان دهیم که امروز، کسانی را که فکر می‌کنیم نباید با هم نزدیک باشند، دوستان صمیمی هم بوده‌اند. با این نگاه قطعاً می‌توانیم به اهداف تقرب و به وحدت کمک کنیم.

### موفقیت دانشگاه مذاهب اسلامی را در بسترسازی مناسب برای ترویج روحیه وفاق و همدلی در میان پیروان مذاهب اسلامی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

متأسفانه دانشگاه ما در بین حتی دانشجویان دانشگاه تهران هم شناخته شده نیست و شاید این به دلیل تبلیغ نمودن مناسب باشد البته کارهایی صورت گرفته، اما شاید بهتر باشد تبلیغات در رادیو و تلویزیون بیشتر شود و شاید کم‌کاریهایی از فارغ‌التحصیلان شده است و این دلایل باعث شده است تا دانشگاه و اهداف آن در جامعه شناخته شده نباشد.

امروزه در دانشگاه ما اهداف والایی وجود دارد و وحدت اگر به شکل واقعی‌اش در جامعه ایجاد شود، مدینه فاضله‌ای به وجود می‌آید، یعنی اگر



فرقه‌های مختلف، خود را حق مطلق و دیگری را باطل مطلق نپندازند و به یکدیگر احترام بگذارند. در عین اینکه من و شما عقیده خود را داشته باشیم به عقیده دیگر هم احترام بگذاریم، در جامعه می‌توان جامعه شبه آرمانی را یافت.

همان‌طور که عرض کردم به دلیل آگاهی نداشتن از اهداف دانشگاه، این امر (وحدت) هنوز به طور کامل تحقق نیافته است، هر چند به نسبت زمان ما بهتر شده و ان‌شاءالله سال به سال بهتر خواهد شد؛ چرا که دانشجو هم می‌تواند مردم را با اهداف دانشگاه (تقریب) بیشتر آشنا کند و این جریانی است که به زمان نیاز دارد.

مسئله دیگر اهمیتی است که نهادهای مختلف، باید به این دانشگاه بدهند. اگر واقعا به این دانشگاه از طرف نهادهای مختلف و سازمانهای مختلف اهمیت داده شود و فارغ‌التحصیلان بتوانند در این نهادها و سازمانها، به فعالیت مشغول گردند، علاوه بر اینکه به وحدت و تقریب منجر خواهد شد، به نهادینه شدن تقریب کمک خواهد کرد.

### از شیرین‌ترین خاطرات خودتان در دوران تحصیل در دانشگاه مذاهب اسلامی بگوئید

بسیاری از خاطرات من از دانشگاه مذاهب، خاطرات شیرینی است، اما شاید شیرین‌ترین اوقات ما، زمانی بود که به اردو می‌رفتیم و تقریباً هر ترم، یک اردو داشتیم و چون تعداد دانشجویان هم کم بود، اکثر دانشجویان شرکت می‌کردند و ما به مناطق عملیاتی جنوب، مشهد و شمال و... می‌رفتیم و شیرین‌ترین خاطرات، مربوط به این اردوها بود، و حتی مسئولین دانشگاه هم با ما می‌آمدند و جوی صمیمی داشتیم.

من به یاد می‌آورم یک بار که به اردوی جنوب رفته بودیم و اتوبوس ما در کنار رودخانه‌ای توقف کرد و یکی از بچه‌ها، دیگری را به داخل رودخانه هل داد این امر مقدمه‌ای شد برای اینکه بچه‌ها یکدیگر را به داخل رودخانه هل دهند و سپس بچه‌ها آقای طالبی را به عنوان آخرین نفر به داخل رودخانه هل دادند در حالی که ایشان می‌خواستند با پاترولی که دانشگاه در اختیار ایشان قرار داده بود، فرار کنند، اما ایشان با کت و شلوار به داخل رودخانه انداخته شدند. یعنی صمیمیت در حدی بود که در آنجا دانشجو و معاون دانشگاه

تفاوتی نداشتند و همه با هم صمیمی بودند. این اردوها، جزء بهترین خاطرات ما بودند. همچنین اردوی حدوداً ۳۰ نفر از دانشجویان به سوریه به همراه دکتر بی‌آزار و دکتر نعمتی یکی از بهترین خاطرات ما در این دانشگاه بود. [ایشان با کمی تأمل در پاسخ به بدترین خاطره، خاطره‌ای را به ذهن نیاوردند.]

### شما که خود یکی از پایه‌گذاران فروغ وحدت بوده‌اید، اکنون با توجه به روند رو به پیشرفت فروغ وحدت چه احساسی دارید؟

خیلی خوشحالم از اینکه با وجود اینکه خود نمی‌توانم در دانشگاه حضور پیدا کنم، دوستانی هستند که امکاناتی در اختیار آنها قرار داده شده است و دانشگاه به این امر اهمیت داده و این نشریه توانسته به این مرحله برسد و امید دارم که روز به روز به غنای مطالبی که در این نشریه چاپ می‌شود، افزوده شود و دوستان عزیز که در اینجا کار می‌کنند، در همه کارها و در زندگی‌شان و به ویژه در امر نشریه فروغ وحدت موفق باشند.

از حضور شما در این گفتگو سپاسگزاریم. من هم برای شما و همکارانتان آرزوی موفقیت دارم.

به دلیل آگاهی نداشتن از اهداف دانشگاه، این امر (وحدت) هنوز به طور کامل تحقق نیافته است، هر چند به نسبت زمان ما بهتر شده و ان‌شاءالله سال به سال بهتر خواهد شد؛ چرا که دانشجو هم می‌تواند مردم را با اهداف دانشگاه (تقریب) بیشتر آشنا کند و این جریانی است که به زمان نیاز دارد